

انتخابات ۷ اسفند، "کشتی" قایق شده نظام، و اپوزیسیون خارج نشین

محمد سهیمی

مقدمه

در چند هفته گذشته وقایع و تحولات مهمی، که از لحاظ بین‌المللی برای ایران دارای اهمیت زیادی بودند، اتفاق افتادند. آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای اعلام کرد که ایران به تمامی تعهدات خود در قبال توافق هسته‌ای با کشورهای ۵+۱ عمل کرده است. آمریکا و متحدان آن تحریم‌های هسته‌ای خود را بر ضد ایران لغو کردند، و پرزیدنت اوباما فروش هواپیماهای مسافری به ایران را آزاد کرد. ده ملوان آمریکایی که وارد آن‌های ساحلی ایران شده بودند و توسط نیروی دریایی سپاه دستگیر شده بودند، در کمتر از ۲۴ ساعت آزاد شدند. حمله به سفارت عربستان سعودی در تهران و کنسولگری آن در مشهد چنان موجی در انتقاد از جمهوری اسلامی در سراسر جهان برآورد که آیت‌الله علی خامنه‌ای را مجبور کرد که اعلام کند آن حملات "بسیار بد و به ضرر اسلام و کشور بود".

همزمان سیر تحولات داخلی کشور نیز شتاب بیشتری یافت. متجاوز از ۱۲،۰۰۰ نفر کاندیدا برای انتخابات مجلس و بیشتر از ۸۰۰ نفر برای انتخابات مجلس خبرگان ثبت نام نمودند. این تعداد زیاد کاندیدا بنیاد گرایان و تندرو هارا به وحشت انداخت، بطوریکه هم آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، و هم آیت‌الله محمد یزدی، رئیس مجلس خبرگان، آنرا مشکوک و مبهم اعلام کردند. بعد از آنکه شوراهای اجرائی انتخابات، که زیر نظر دولت کار میکنند، ۹۳ درصد کاندیدا هارا قبول کردند، سپاه پاسداران وارد عمل شد و سردار محمد حسین نجات، معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه از تعداد زیاد کاندیداها ابراز ناخشنودی نمود و اعلام کرد، "حالا شورای نگهبان مجبور است کسری کار هیئت‌های اجرائی را جبران کند و قطعاً افراد زیادی ریزش پیدا میکنند." شورای نگهبان هم به "وظیفه" خود عمل کرد، و ۵۸ درصد کاندیداها، از جمله اکثریت عظیم اصلاح طلبان، و حامیان آقایان حسن روحانی، علی لاریجانی و اکبر هاشمی رفسنجانی را رد صلاحیت نمود. درحال حاضر انتخابات ۷ اسفند مهمترین مساله کشور میباشد. هدف این مقاله بحث درباره این موضوع است. مانند همیشه منابع این مقاله در پی دی اف آن موجود هستند.

اصلی و فرعی کردن تضادها

روشن است که در هر برهه زمانی منافع و مصالح ملی کشور در تضاد با عوامل و اهداف گوناگونی میباشند، و توسط اقتدار گرایان داخلی و دشمنان خارجی مورد تهدید قرار میگیرند، ولی همگی تضادها در هر دوران دارای اهمیت یکسان نیستند. نگارنده معتقد است که هم مردم و هم تحلیلگران و فعالان سیاسی همیشه باید تضادها را به فرعی و اصلی تقسیم کنند، و در هر دوره زمانی بر روی تضادهای اصلی متمرکز شوند. تا زمانی که تحریم‌های کمر شکن غرب بر ضد ایران برقرار بود، و خطر حمله نظامی به ایران یا توسط آمریکا، یا توسط اسرائیل و یا هر دو وجود داشت، تضاد اصلی که بزرگترین خطر برای امنیت ملی و تمامیت ارضی ایران بود، با نیروهای بود که ایران را مورد تهدید قرار داده بودند. دولت پرزیدنت بوش

ایران را بارها تهدید به حمله نظامی نمود. بین سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ اسرائیل سہبار در آستانہ حملہ بہ ایران بود، و پرزیدنت اوباما بارها تاکید کرد کہ حملہ نظامی بہ ایران بعنوان یکی از انتخاب‌های آمریکا ہمیشہ بروی میز قرار دارد. خانم ہیلاری کلینتون ہنوز ایران را تهدید می‌کند. بہ همین دلیل امثال و ہمفکران نگارندہ بروی این موضوع متمرکز بودند، و بہ روشنگری دربارہ دروغ‌های غرب و اسرائیل، و متحدان ایرانی "ہمسو" با آنها دربارہ برنامه ہستہ‌ای ایران می‌پرداختند. در آیندہ نیز اگر تضاد اصلی با یک قدرت خارجی بر سر امنیت ملی و تمامیت عرضی ایران باشد، نگارندہ با تمام وجود بہ روشنگری دربارہ آن و دفاع از کشور خواہد پرداخت.

ولی حال کہ خوشبختانہ خطر حملہ نظامی غرب و اسرائیل بہ ایران، برای دستکم تا چندسال آیندہ، وجود ندارد، دروغ‌ها و اغراق‌ها دربارہ برنامه ہستہ‌ای کاملاً بر ملا شدہ‌اند، و تحریم‌های کمر شکن اقتصادی بر ضدّ مردم ایران نیز لغو شدہ‌اند، تضادها میبایست دوبارہ دستہ بندی شوند. البتہ خاور میانہ در آشوب، جنگ و ویرانی کامل است، داعش خطری بالقوہ برای کشور میباشد، و عربستان سعودی و متحدان آن کہ مهمترین حامیان گروہ‌های تروریستی در منطقہ و جنگ در سوریہ، عراق و یمن میباشند مشغول عربدہ کشی برای کشور ہستند، ولی این تهدیدها برای کشور قابل مدیریت ہستند. بنا بر این زمان آن رسیدہ است کہ توجہ خود را بہ اوضاع داخلی کشور معطوف کنیم. دربارہ انتخابات ۷ اسفند چہ باید کرد؟ آیا مشارکت در انتخابات بسود کشور است؟ البتہ ایرانیان خارج از کشور اصولاً قادر نیستند کہ در رأی گیری برای انتخابات شرکت کنند، چرا کہ این انتخابات در واقع محلی، نہ ملی، میباشند. در عین حال، نگارندہ معتقد است کہ مردم ما کہ در ایران زندگی میکنند دارای درایت بسیار زیادی ہستند، با ہوشیاری تمامی تحولات را دنبال میکنند، و ہر تصمیمی کہ اتخاذ کنند در نہایت بسود کشور است. ولی بحث دربارہ این موضوع بسیار مهم است.

فحاشی‌ها در وبسایت‌های خارج از کشور

در طول چند ہفتہ گذشتہ مقالات متعددی در وبسایت‌های ایرانی خارج از کشور، از جملہ این وبسایت، دربارہ انتخابات اسفند ماہ منتشر شدہ اند. واکنش خوانندگان این وبسایت بہ آن مقالاتی کہ تلاش کردند کہ دربارہ انتخابات بطور منطقی بہ بحث پردازند چیزی بجز فحاشی محض نبود، کہ این واقعا عجیب است، بخصوص آنکہ ادعاها و فریادہای این قبیل خوانندگان دربارہ دموکراسی خواہی، آزاد منشی، و حمایت از حقوق بشر کہ سادہ‌ترین آن حقوق‌ها حق ابراز عقیدہ در فضائی دور از تهدید، فحاشی و شانتاژ میباشد، فلک را پر کردہ است. یکی از آنها، کہ نگارندہ مطمئن است بارها دربارہ تبعیض و بی احترامی بہ خانم‌ها و حقوق آنها در نظام جمهوری اسلامی اعتراض کردہ است، یک نویسندہ خانم را "ضعیفہ" خطاب کرد. آن دیگری، کہ توهین بہ اعتقادات مذہبی مردم را در قالب "شعر" کہ در حقیقت ہجویاتی برای عقدہ گشایی خود بیشتر نیست مطرح می‌کند، بہ خانم نویسندہ حملہ نمود. آن دیگری ادعا کرد کہ برخی از روشنفکرانی کہ ایشان با آنها ہم عقیدہ نیستند توانستہ‌اند کہ کرسی‌های استادی در دانشگاه‌های معتبری نظیر پرینستون و آکسفورد را "خریداری" کنند، کہ نشان از سطح دانش و آگاہ این شخص دارد کہ حتی مرغ پختہ را بہ خندہ می‌اندازد. آن دیگری بدون کوچکترین شرمی ادعا می‌کند کہ نوشتن آن مقالہ برای خانم نویسندہ "نان و آب" دارد، ایشان را ہمفکر آقای اکبر گنجی اعلام می‌کند، کہ بندہ خدا حتی روحش ہم خبردار جریان نیست، و میپرسد کہ چرا آقای گنجی سکوت کردہ است. آقای گنجی، برخلاف ادعای آن نظر نویس کہ چیزی نمی

نویسد، مقالات خود درباره انتخابات هفتم اسفند را به زبان انگلیسی در [اینجا](#)، [اینجا](#) و [اینجا](#) منتشر کرده است. مقاله های فارسی ایشان درباره انتخابات را هم می توانید در وبسایت رادیوزمانه ([جدال انتخاباتی اصلاح طلبان و اصولگرایان افراطی](#) ، [آمریکا و عربستان بهانه است، هدف حذف رقبای داخلی است](#)) و وبسایت رادیو فردا ([۱۰ دلیل اهمیت انتخابات مجلسی که عزل و نصب رهبر با آن است](#) ، [آیت الله خامنه‌ای و مجلس سلطانی در برابر مجلس آمریکایی](#) ، [هجوم سرداران سپاه و بسیج برای فتح مجلس](#)) بخوانید، تو خود حدیث مفصل خوان از این مجمل.

انتخابات بعنوان یک فرایند

اینگونه خوانندگان، که نظرات خود را بر مبنای نام نویسنده، و یا احياناً سابقه سیاسی دور آن می‌نویسند، نه محتوی مقاله، و بدون مطالعه مقاله شروع به کلیک کردن میکنند، تصور میکنند که شرکت در انتخابات به معنای رأی دادن است و بس. به نظر نگارنده این تصور اشتباهی است، چرا که انتخابات یک فرایند طولانی است، و نه یک واقعه در یکروز مشخص. در همین آمریکا فرایند انتخابات ریاست جمهوری از حدود یکسال پیش آغاز شده است. بحث در باره انتخابات مجلس و مجلس خبرگان نیز از حدود یکسال پیش در ایران در جریان بوده است. هر کسیکه تحولات را پیگیری کند، درباره انتخابات به بحث بپردازد و موضع گیری کند، به انتقاد از آن بپردازد و یا از آن حمایت کند، در حقیقت در انتخابات شرکت کرده است. رأی دادن و یا سرباز زدن از آن یک حق شهروندی است، و بنابر این چه هموطنان داخل کشور رأی دهند، و چه آنرا رد کنند، کاری بجز استفاده از حقوق شهروندی خود انجام نداده اند. باتوجه به این فرایند و تحولات آن است که سرانجام مردم تصمیم میگیرند که آیا در رأی گیری شرکت کنند و یا در روز رأی گیری در خانه بمانند. در عین حال رأی دادن و یا آنرا بایکوت کردن فقط مرحله آخر شرکت در فرایند انتخابات است. تصمیم نهایی را هم مردم در ایران میگیرند، که بارها نشان داده‌اند که به فحاشی‌های ایرانیان خارج از کشور اعتنایی ندارند.

به این ترتیب، اصولاً بایکوت انتخابات بی معنی است. همه کسانی که درباره انتخابات به بحث می‌پردازند، از مردم کوچه و خیابان در ایران گرفته، تا آنهائیکه در زیر مقالات فارسی درباره انتخابات در این وبسایت به فحاشی می‌پردازند، در حقیقت در انتخابات شرکت کرده‌اند. تنها تفاوت بین همه رأی دادن و یا بایکوت کردن آن در روز رأی گیری است که درباره انتخابات ۷ اسفند حتی این تفاوت بین ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد، چراکه اصولاً در این انتخابات فقط مردم داخل کشور حق رأی دادن دارند.

بگمان نگارنده تا همین جا هم بحث‌های زیاد در فرایند انتخابات نتایج مثبتی داشته است، که برخی از آنها از این قرارند.

استفاده از صحبت‌های آقای خامنه‌ای بر ضد ایشان

در ۲۴ خرداد ۱۳۹۲، درست قبل از انتخابات ریاست جمهوری، آقای خامنه‌ای اعلام کردند که رأی مردم حق الناس است، و بنا بر این نمی‌توان آنرا نادیده گرفت و یا مورد تعددی قرار داد. البته قصد ایشان راضی کردن مردم به رأی دادن، بعد از ظلم بزرگ ایشان و طرفداران ایشان به مردم در انتخابات ۱۳۸۸ بود. ولی

همین چند کلمه بارها مورد استفاده مخالفین ایشان قرار گرفته و بر ضدّ ایشان و هواداران ایشان استفاده شده است. تا قبل از سخن اخیر ایشان، که بدان خواهیم پرداخت، منتقدین و مخالفان داخلی ایشان بارها این سخن ایشان را گوشزد کردند و درباره بی عدالتی‌ها در زمینه‌های مختلف صحبت کردند. بعنوان مثال، صرف نظر از اینکه نقض سیستماتیک حقوق بشر و شهروندی مردم یک مصداق واقعی تجاوز به حق الناس میباشد، ردّ صلاحیت کاندیداها و جلوگیری از فعالیت سیاسی برخی از گروه و شخصیت‌ها نیز نقض حق الناس هستند، که بارها مورد تاکید منتقدین قرار گرفت. کار آنقدر بالاگرفت که آقای خامنه‌ای مجبور به دفاع از خود و توضیح درباره این حرف خود شد. وقتی اینکار منتقدین را ساکت نکرد، ایشان مجبور شد از آن بعنوان کلاه شرعی برای توجیه کارهای شورای نگهبان استفاده کند، و [نظارت من درآوردی "استصوابی"](#) را نیز بعنوان بخشی از حمایت از حق الناس مطرح کرد. در ماه گذشته آقای خامنه‌ای ["قبول کردن نتایج انتخابات"](#) را نیز بعنوان دفاع از حق الناس مطرح کرد، که در واقع دفاع از خود درباره انتخابات ۱۳۸۸ بود. [به وبسایت ایشان مراجعه کنید](#) تا ببینید که چگونه مجبور به دفاع از خود و توضیح دادن درباره سخن خود شده است، که در واقع به نظر نگارنده کار را بر ایشان سخت‌تر کرده است.

درباره انتخابات اسفند ماه هم همین اتفاق دوباره تکرار شد. ایشان از مردم، حتی انهاییکه ایشان و جمهوری اسلامی را قبول ندارند، دعوت کرد که در انتخابات رأی دهند. ولی بعد از ردّ هزاران کاندیدای انتخابات توسط شورای نگهبان دست‌چین شده خود ایشان، موج بزرگ اعتراض آغاز شد که به همین سخن ایشان استناد کردند. یکی از معاونین وزیر کشور پرسید که آیا باید کاندیدایی باقی بماند تا مردم به آنها رأی دهند یا خیر. در حقیقت ایشان از مردم خواست تا به کاندیداهای مورد نظر ایشان رأی دهند. بار دیگر ایشان مجبور به دفاع از خود و توضیح درباره سخن خود شد، و اعلام کرد که مقصود ایشان این بوده است که [مخالفین میتوانند رأی دهند، ولی نمیتوانند مخالفین را به مجلس بفرستند](#)، که سخنی است بیهوده، چرا که رأی دادن و یا بایکوت رأی حق هر شهروند، صرف نظر از مخالفت و یا پشتیبانی آن از نظام حاکم، میباشد و احتیاج به دعوت و یا اجازه ندارد.

شکاف در بین محافظه کاران، اصول گرایان و بنیاد گرایان

فساد بینظیر دولت آقای احمدی‌نژاد، بی لیاقتی آن در اداره کشور، و سیاست هسته‌ای آن که کشور را تا آستانه جنگ به پیش برد، شکاف‌های بزرگی بین گروه‌های مختلف محافظه کار بوجود آورد. فشار تندیروها برای جلوگیری از پیروزی اصلاح طلبان و معتدل‌ها در انتخابات پیش رو، این شکاف‌ها را عمیق‌تر کرد. بعد از ردّ هزاران کاندیدا توسط شورای نگهبان، برخی از این شکاف که پنهان و یا نیمه پنهان بودند، علنی شدند.

در روزی که قرار بود نتایج اولیه ردّ صلاحیت‌ها اعلام شود، آقای نجات الله ابراهیمیان [سخنگوی شورای نگهبان استعفا داد](#). علت استعفا ایشان، که حقوقدان تحصیل‌کرده فرانسه میباشد، هنوز بطور رسمی روشن نشده است، [ولی به نظر می‌رسد](#) که مهمترین دلیل رفتار و صحبت‌های متناقض اعضای شورا، عدم توانایی ایشان در اجرای بعضی از قول‌هاییکه ایشان در باره تعزیه دادن در مورد علت ردّ صلاحیت‌ها داده بودند،

و مسائل دیگر است. در عین حال، سخنان ایشان دائماً توسط سخن گوی دیگری، یعنی آقای سیامک ره پیک، سخنگوی هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات، نقض میشد.

آقای جعفر شجونی، عضو جامعه روحانیت مبارز و منتقد شدید اصلاح طلبان و جنبش سبز گفت، "من هم انتظار این میزان از رد صلاحیت هارا نداشتم،" و همچنین، "عزدار رد صلاحیت ها هستم".

آقای قربانعلی دری نجف آبادی، وزیر اطلاعات اول دولت آقای خاتمی در زمان برملا شدن قتل‌های زنجیره‌ای و نایب رئیس مجلس خبرگان، "احراز صلاحیت نشدن" کاندیدا هارا بی معنی خواند و خواستار بازنگری شورای نگهبان شد.

آقای عباس واعظ طبسی، نایب التولیه آستان قدس رضوی و یکی از با نفوذترین روحانیون گفت که مجلس یکدست که در آن فقط یک سلیقه حکفرما باشد مجلس فعالی نخواهد بود. ایشان همچنین گفتند که "از کسانیکه ادعای حزب الهی بودن دارند حمایت نکنیم،" و "مردم خود بهترین تصمیم را میگیرند".

آقای محسن غرویان، از شاگردان سابق آقای مصباح یزدی و استاد حوزه علمیه قم نیز به رد صلاحیت‌ها اعتراض کرد، و آنهارا "سلیقه ای" دانست. ایشان به این موضوع اشاره کرد که یک نماینده آقای خامنه‌ای در شهری بدلیل "عدم التزام به اسلام" توسط شورای نگهبان رد شده است، و گفت، "این مساله جای سوال دارد".

سید مهدی طباطبائی، روحانی عضو جامعه روحانیت مبارز، تشکل اصلی روحانیون راستگرا روش شورای نگهبان را برای آینده خطرناک و برای گذشته شبهه ناک اعلام کرد.

تبدیل کشتی نظام به یک قایق

سال هاست که آقای خامنه‌ای هر چند صباحی به "کشتی نظام" اشاره می‌کند. ایشان ظاهراً معتقد هستند که این "کشتی" اکثریت بزرگ کشور را شامل میشود. البته اینطور نیست. از زمان پایان جنگ با عراق و آغاز فقاقت آقای خامنه‌ای، که "خودی" و "غیر خودی" شدن مردم آغاز شد، سیاست‌های ایشان روز بروز کشتی نظام را خالی تر و پوسیده تر کرده است. بخصوص از زمان اختراع نظارت من‌درآوردی استصوابی، رد بسیاری از کاندیداهاى مردمی، و تحمیل برخی از انتخابات به آنها، نظیر انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، و یا انتخابات مجالس چهارم و هفتم، روز بروز یا تعدادی از مردم این "کشتی" را ترک کرده‌اند، و یا اخراج شده‌اند. بقول آقای کروبی، کشتی نظام تبدیل به یک قایق کوچک شده است، و روز به روز از تعداد خودی‌ها کاسته میشود. آقای خامنه‌ای و حامیان ایشان در این زمینه آنچنان پیش رفته‌اند، که حتی نزدیک‌ترین شخصیت‌ها به آیت‌الله خمینی را نیز "غیر خودی" کرده‌اند، و به آنها اجازه کاندیدا شدن برای مجلس و مجلس خبرگان هم نمی‌دهند.

آیا اگر مردم در فرایند انتخابات شرکت نمی‌کردند، این "کشتی" تبدیل به قایق میشد؟ آیا اگر مردم به انتخابات شورای شهر تهران در ۱۳۸۱، که بعد از انتخابات برای مجلس اول بعد از انقلاب در ۱۳۵۸، آزادترین انتخابات ایران بود، بی‌اعتنایی نمی‌کردند، آقای احمدی‌نژاد در صحنه سیاسی کشور در سطح کلان ظهور

می‌کرد، و یا در انتخابات ۱۳۸۴ پیروز میشد؟ مقصود نگارنده از شرکت، همانطور که توضیح داده شد، رأی دادن نیست، بلکه استفاده از فرصت برای آموزش قشرهای مختلف جامعه، افشاگرایی در بالاترین سطح، و آگاه کردن مردم می‌باشد. بگذار شورای نگهبان آقای خامنه‌ای نمایندگان واقعی مردم را رد صلاحیت کند. نتیجه این خواهد بود که بعد از مدتی حتی محافظه کارانی نظیر آقای علی مطهری که در گذشته منتقد سرسخت اصلاح طلبان بود، خود به نمایندگان شجاع و آزاده تبدیل میشوند. در نتیجه، قایق نظام پوسیده تر، و سرانجام غرق خواهد شد.

یکی شدن شاه و شیخ

بقول آقای اکبر گنجی، آقای خامنه‌ای مجلس سلطانی می‌خواهد. ایشان هیچ تمایلی برای انتخاب یک مجلس مردمی، و حتی مجلسی که در آن بخش کوچکی از اعضا نمایندگان واقعی مردم باشند، را ندارد. ایشان دقیقاً مانند محمد رضا شاه می‌باشد. امیر اسدالله علم، که سالها "غلام جان نثار" و نزدیک‌ترین شخص به شاه بود، در خاطرات خود می‌نویسد که در یکی از انتخابات قلابی مجلس به شاه گفت که "علیحضرت" نباید واهمه‌ای از این داشته باشند که مردم دستکم چند نفر از نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند، ولی شاه به شدت آنرا رد کرد و گفت تنها آنهایی به مجلس می‌روند که او تعیین می‌کند. آقای خامنه‌ای هم دقیقاً همین نظر را دارد. ایشان بودند که "احراز صلاحیت" را اختراع کردند تا حتی از انتخاب کاندیدای غیر مشهوری که احتمالاً بعد از انتخاب ممکن است بر خلاف میل ایشان باشد جلوگیری کند.

مجلس فرمایشی در برابر مجلس "امریکائی"

از بعد از امضای توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱، آقای خامنه‌ای دائماً درباره نفوذ عوامل غرب، بخصوص آمریکا، در ارکان سیاسی و مراکز تصمیم‌گیری جمهوری اسلامی هشدار داده است. این ادعای ایشان در واقع فرمان به شورای نگهبان برای رد هزاران کاندیدای مجلس و مجلس خبرگان بود، که حتی به آقای حسن خمینی نیز رسید.

فرض کنیم که اینچنین باشد، و همچنین فرض کنیم که آمریکا و متحدان آن چنان در نفوذ خود به ایران ماهرانه عمل کنند که یکی از عوامل آنها به ریاست جمهوری ایران رسد و امور اجرائی کشور را در دست گیرد. آیا چنین شخصی قادر خواهد بود آنقدر که آقای احمدی‌نژاد و مافیای ایشان به همه ارکان کشور، از اقتصاد گرفته، تا فرهنگ، توسعه سیاسی، و سیاست خارجی کشور زیان‌های وحشتناک زدند، صدمه وارد کند؟ نگارنده ایمان دارد که اینطور نخواهد بود. پس تمامی این هشدارها، حتی اگر تا حدی واقعی بودند، فقط دستاویزی است برای حذف مخالفان.

البته دو قطبی "این مجلس در برابر آن مجلس" آقای خامنه‌ای و تندروها کاذب است. دو قطبی واقعی مجلس مردمی در برابر مجلس سلطانی و دست‌چین شده آقای خامنه‌ای، شورای نگهبان قدرت ایشان و تندروهای های امنیتی و اطلاعاتی است. تا زمانی که نظارت من درآوردی استصوابی و شرط مضحک "احراز صلاحیت" وجود داشته باشند انتخابات آزاد برگزار نخواهند شد که هیچ، انتخابات بطور وسیعی حتی رقابتی نیز نخواهند بود، و تعداد بسیار زیادی از سرسپرده شدگان به مجلس "راه می‌یابند".

کنار گذاشتن توهم درباره انتخابات

یکی از آقایانیکه همیشه در زیر مقالات سیاسی منتشر شده در این وبسایت در چندین "کامنت" طولانی نظرات خود را مطرح کرده، و هر کسی که مخالف نظر ایشان نوشته باشد را حامی جمهوری اسلامی میدانند، در زیر یکی از مقالات نوشته بود که نویسنده آن مقاله در گذشته ادعا کرده بود که اگر توافق هسته‌ای امضا شود، انتخابات آزاد برگزار خواهد شد، و چون آن وعده ادعایی عملی نشده او را متهم به طرفداری از جمهوری اسلامی کرد. نه آن بنده خدا چنین وعده‌ای داده بود، و نه هر کسیکه تحولات سیاسی داخل کشور را از نزدیک دنبال می‌کند دچار چنین توهمی است. آقای محمد رضا خاتمی چند ماه پیش در مصاحبه‌ای گفتند که انتظار تغییرات مثبت عظیم در انتخابات پیش رو توهمی بیش نیست. بدون توافق هسته‌ای کشور بطرف جنگ، خونریزی، و در نهایت تجزیه میرفت، ولی توافق هسته‌ای شرط لازم، و نه کافی، برای حرکت در جهت یک حکومت بهتر در ایران بود و هست.

به لیست ۳۰ نفره "اصولگرایان" [برای تهران نگاه کنید](#). نزدیکان آقای احمدی‌نژاد، و همچنین اعضای جبهه پایداری که طرفداران آقای محمد تقی مصباح یزدی، روحانی مرتجع و تندرو هستند، در آن اکثریت بزرگی را دارند. بسیاری از این لیست در چپاول و غارت منابع کشور در دوران آقای احمدی‌نژاد دست داشتند. امید نیروهای اصلاح طلب و دموکرات برای انتخابات ۷ اسفند شکست دادن و بیرون کردن این تندرو ها از مجلس است، که اگر اتفاق افتد، چنین نتیجه‌ای را قدمی مثبت برای کشور میدانند.

هم تندروها و هم دولت آقای روحانی بخوبی آگاه هستند که از لحاظ اقتصادی بقول معروف کارد به استخوان مردم رسیده، و باید اقتصاد بهبود پیدا کند. بهبود اقتصاد مستلزم سرمایه‌گذاری خارجی است، ولی سرمایه‌دار خارجی فقط زمانی به سرمایه‌گذاری دراز مدت در ایران خواهد پرداخت که از لحاظ قانونی همه چیز روشن باشد، و سلیقه‌ای رفتار نشود. این موضوع در تضاد با اقتدار گرایان است که حاضر نیستند قدرت خود را محدود و وابسته به قانون کنند. پس یا باید قدم‌های مهمی در این راه برداشته شوند، که خود مثبت خواهد بود، و یا اقتصاد روز به روز بدتر شود که در نتیجه کشور منفجر خواهد شد.

صبر باید داشت. پاشنه آشیل تندروها عدم توانایی در بهبود اقتصاد بدون باز کردن فضای سیاسی و تن دادن به قانون است.

مقاومت آقای روحانی در برابر شورای نگهبان و آقای خامنه‌ای

از همه مهمتر اعتراض شدید و بی سابقه آقای روحانی به رد صلاحیت‌ها بود. ایشان روز پنجشنبه ۱ بهمن در همایش استانداران و فرمانداران [سخنان تندی در انتقاد از شورا ایراد کردند](#) و ضمن آن گفتند،

"این روزها زمان بررسی صلاحیت کاندیداهای انتخابات است و البته باید همه کاندیداها به دین و آیین خود متعهد و ملتزم به قانون اساسی و ولایت فقیه باشند اما آیا همه التزام آنان باید به همین مسایل باشد؟ پس محیط زیست، صنعت، توسعه، رفع رکود، بیکاری و رونق اقتصادی چه می‌شود؟ آیا امیرالمؤمنین علی (ع) هم زمانی که می‌خواستند، حاکم و فرمانداری تعیین کنند، فقط به نماز شب خواندن، حضور او در نماز جماعت، پرداخت زکات و امثال اینها توجه می‌کردند و یا توانمندی، کاربلدی، مدیریت و فهم او از جامعه را نیز

ملاک عمل قرار می‌دادند؟ اگر فقط عبادت و ایمان ملاک بود، چه کسی از قنبر در کنار امیرالمؤمنین(ع) برتر بود؟ چرا حضرت علی(ع) او را فرماندار نکردند؟ حضرت امیرالمؤمنین(ع) علاوه بر این ویژگی‌ها، کارآمدی و سیاستمدار بودن افراد را نیز ملاک قرار می‌داد و حالا اگر آن فرد جایی اشتباه هم می‌کرد، حضرت او را مورد عتاب قرار می‌دادند.

چرا آدرس غلط به مردم می‌دهیم و فقط التزام به دو اصل را ملاک قرار می‌دهیم، میزان الحراره های انتخاباتی باید درست کار کند. در شرایط امروز منطقه، سیاست پیچیده جهانی و معضلات پیچیده پیش روی کشور، که اداره امور را سخت‌تر از همیشه کرده است، ما باید بهترین‌ها را به مجلس شورای اسلامی بفرستیم.

ما هم تأکید داریم که در بررسی صلاحیت‌ها باید مر قانون ملاک عمل باشد و نه مر سلیقه. قانون اساسی برای یهودیان، زرتشتیان و آشوریان و ارمنی‌های کشورمان که جمعیت قابل توجهی هم ندارند، حق برخورداری از نماینده قایل شده که این هم خیلی خوب است، اما اکنون آیا ما باید یک جناحی در کشور را که جمعیت خود و هوادارانش به چیزی حدود 10 میلیون نفر می‌رسد، نادیده بگیریم؟ آیا باید قانون اساسی را اینگونه تفسیر و اجرا کنیم؟

مجلس شورای اسلامی، نامش خانه ملت است نه خانه یک جناح؛ بگذاریم خانه ملت آینه واقعی ملت باشد و متعلق به همه مردم. البته که در این میان جناح‌ها و احزاب مختلف باید بهترین‌ها را به مردم معرفی کنند و باید بر امر انتخابات هم نظارت بشود، اما معیار در همه این مراحل باید فقط قانون باشد.

اداره کشور متعلق و در اختیار مردم است؛ صاحب و ولی نعمت کشور و ما مردم هستند و هیچ مقامی در این کشور بدون رأی مستقیم و غیرمستقیم مردم مشروعیت ندارد. اگر این مهم را قبول داریم، که البته هم همه قبول دارند و تصریح قانون اساسی نیز به این است، پس باید بدانیم که کار بسیار بزرگی در پیش رو داریم.

اگر قرار است یک جناح در انتخابات حضور داشته باشد و یک جناح نه، دیگر به چه دلیل انتخابات برگزار می‌کنیم؟ همه باید برای ایجاد فضایی رقابتی و امیدآفرین تلاش کنیم تا شاهد حضور حداکثری در انتخابات باشیم چرا که این کشور متعلق به همه است و همه بخش‌ها، گروه‌ها و جناح‌ها باید بتوانند نمایندگان خودشان را در خانه ملت داشته باشند.

احراز صلاحیت واقعی، متعلق به مردم است و این ملت بزرگ است که پای صندوق رأی آن کسی را که بهتر و اصلح است، برمی‌گزیند. البته در همه جای دنیا سیستم‌های نظارتی و فیلترهایی وجود دارد که بیشتر در ساختار خود احزاب آن کشورها تعبیه شده و احزاب برای حیثیت خودشان و اقبال عمومی کشور، سعی می‌کنند بهترین‌ها را در معرض انتخاب مردم قرار داده و به نهادهای تصمیم‌گیری و اداره کشور هایشان بفرستند."

به نظر نگارنده این سخنان برآستی شجاعانه بود، بطوری که یکی از اصلاح طلبان سابق که حال در آمریکا زندگی می‌کند و بر خلاف دوران ایران خود که بسیار بی سر و صدا بود، حالا به تندی به همه آنها، و

همچنین آقای روحانی حمله می‌کند، نیز اذعان داشت که این سخنان نشان میدهد که آقای روحانی در برابر شورای نگهبان و آقای خامنه‌ای تصمیم به مقاومت گرفته است. البته این مقاومت نباید تنها محدود به چنین سخنرانی زیبایی شود، و میبایست ادامه داشته باشد. در عین حال، آقای روحانی باید مدافع همه آنهایی باشد که حقوق آنها نقض شده است. آیا ایشان اینکار را خواهند کرد؟ در دو هفته آینده خواهیم دید.

انتقاد از آقای روحانی

در عین حال، همانطور که [نگارنده در یک مقاله در گذشته اظهار کرد](#)، انتقاد درست از آقای روحانی نه تنها نباید نهی شود، بلکه باید تشویق نیز بشود. آقای روحانی خود دارای پایگاه اجتماعی نبود، و به مدد اصلاح طلبان، بخشی از جنبش سبز، و در نهایت درایت مردم نجیب و شریف ایران به قدرت رسید. ایشان قول‌های بسیاری هم در زمینه سیاست خارجی و برداشته شدن تحریم‌های کمر شکن اقتصادی، و هم درباره اوضاع داخلی به مردم دادند. آقای روحانی قول‌های خود درباره سیاست خارجی را با عبور از خطوط قرمز آقای خامنه‌ای انجام داد. اگر ایشان بدلیل دخالت‌های آقای خامنه‌ای، سپاه، و دیگر نیروهای تندرو قادر نیستند که به قول‌های خود درباره اوضاع داخلی وفا کنند، کمترین انتظار از ایشان این است که برای مردم بطور صریح اوضاع را تشریح کنند، و نقش عوامل پنهانی و آشکار را روشن کنند. [به قول آقای ابوالفضل قدیانی](#)، عضو شجاع سازمان مجاهدین انقلاب که هم در رژیم شاه و هم در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی بوده است و در ۷۰ سالگی مسن‌ترین زندانی سیاسی است، "تفکری که [می‌گویند] نباید از روحانی انتقاد کرد استبدادی است".

آقای خامنه‌ای با این اپوزیسیون نیاز به دشمن ندارد

برخی در خارج از کشور که خود را اپوزیسیون جمهوری اسلامی قلمداد می‌کنند، به جای فعالیت‌هایی که آنان را به اپوزیسیون واقعی مردم تبدیل کند، دائماً برابر آئینه ایستاده و به تصویر مقابل خود تبریک می‌گویند. آنها برخلاف خود بزرگ بینی مفرط شان، نه تأثیری در تحولات ایران دارند، نه اطلاعی درباره مهمترین تحولات سیاسی کشور. با اینهمه همچنان درباره خود رویاپردازی می‌کنند. سردبیر رادیو زمانه از گروهی از آنها پرسید:

"با وجود این آیا حاضرید بنا به دعوت رهبر در انتخابات شرکت کنید؟ اگر آری با چه شرط‌هایی؟"

آقای رئیس جمهور سابق ایران و آن خانم حقوق دانی که کمپین‌های شکست خورده‌ای در ژنو و در مورد برنامه هسته‌ای به راه انداخت، پاسخ داده اند که "نه ما شرکت نمی‌کنیم."

ظاهراً آقای سردبیر و این دو حتی نمی‌دانند که انتخابات مجلس و خبرگان رهبری در خارج از کشور برگزار نمی‌شود تا آنها بتوانند در آن شرکت کنند یا نکنند. آقای سردبیر باید می‌پرسیدند "اگر شما در ایران بودید در انتخابات شرکت می‌کردید یا نه؟" یا "آیا به نظر شما مردم باید در انتخابات شرکت کنند یا آن را تحریم کنند؟" پرسش غلط آقای سردبیر که نتیجه عدم اطلاع ایشان بود، با پاسخ منفی اپوزیسیون و مدعیان رهبری روبرو شد. یعنی آنها در مورد امری ابراز نظر کردند که اطلاعی از آن نداشتند.

زمانیکه خبر نگار بی بی سی به خانم حقوق دان می‌گوید در گذشته هم ایرانیان خارج از کشور از مردم در داخل دعوت کرده‌اند تا در انتخابات رأی ندهند، ولی معمولاً این چنین نمی‌شود، خانم حقوق دان در پاسخ خطاب به مردم می‌گویند، "اگر هم شرکت کردید، خواهشمند است پس از اعلام نتایج در خیابان‌ها شادی نکنید، در منازلتان شادی کنید تا رژیم به سود خود از آن استفاده نکند." این صحبتی بود واقعا عجیب. اگر مردم رأی دهند، آقای خامنه‌ای و حامیان از آن بعنوان نشان مشروعیت خود استفاده خواهند کرد، چه مردم در خیابان‌ها شادی کنند، چه در منازل. همیشه اینطور بوده است. آقای خامنه‌ای همیشه درصد شرکت مردم در انتخابات ایران را، چه واقعی چه کاذب، با درصد شرکت مردم در انتخابات آمریکا که معمولاً در مورد انتخابات کنگره و سنا چیزی حدود ۳۵ تا ۴۰ درصد است مقایسه کرده، و نتیجه گرفته است که نظام ایشان مردمی تر است. رهنمودهای این خانم آنقدر عجیب بود که [سیمای جمهوری اسلامی](#) و [رسانه احمد نژادی](#) **ها** هم آن را با فیلم و تصویر منتشر کردند. شخصیت‌های شناخته شده نباید حرف‌هایی بزنند که موجب مضحکه کل مخالفان از سوی جمهوری اسلامی شود.

چرا مردم وقعی به اپوزیسیون طرفدار تحریم نمی‌گذارند؟

باید از خود بپرسیم، چرا با توجه به مخالفت اکثریت بسیار بزرگ مردم با نظام ولایت فقیه، آنها هنوز در انتخابات شرکت میکنند و رأی میدهند، و وقعی به توصیه اپوزیسیون در این باره نمی‌گذارند؟ به گمان نگارنده برای این امر چندین دلیل وجود دارد.

اول، واقعیت این است که اگر مردم در انتخابات رأی میدهند واضح است که بخاطر حمایت از نظام ولایت فقیه نیست. مردم در انکشور زندگی میکنند و مجبورند که با مشکلات روزانه زندگی، و در عین حال ماهیت تمامیت خواه و مستبد جمهوری اسلامی دست و پنجه نرم کنند. پس اگر کاندیدا یا کاندیدا هایی وجود داشته باشند که دستکم بخشی از خواسته‌های آنها را مطرح کنند، مردم به آنها رأی خواهند داد تا شاید گره‌ای از مشکلات آنها گشاده شود. این همیشه در نظام جمهوری اسلامی وجود داشته است.

دوم، در شرایط حساس کنونی خاور میانه غرق در جنگ و خونریزی، مردم در انتخابات شرکت می‌کنند، چون میبینند که اسرائیل و برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی علیه ایران وحدت کرده‌اند و ایران بعنوان ایران، فارغ از نظام سیاسی، را بزرگ می‌دانند که باید کوچک شود. [اسرائیل به دنبال تشکیل کشور کردستان است](#) که معنایی جز تجزیه ایران، عراق، سوریه، و ترکیه ندارد. برخی کشورهای عربی هم با آنها همراه شده‌اند. آقای مسعود بارزانی رئیس "دولت اقلیم کردستان" [اعلام کرده است](#) که "شرایط مهیا است و زمان آن فرا رسیده که مردم کردستان از طریق همه پرس‌های درباره آینده خود تصمیم بگیرند." [ایشان با پشتیبانی اسرائیل](#) قصد تأسیس اسرائیل دوم و یا تبدیل کردستان عراق به پایگاه شرقی اسرائیل را دارند. مردم، بدرستی نمی‌خواهند ایران تجزیه یا مانند کشورهای جنگزده منطقه شود. به عقیده نگارنده این موضوع بخصوص درباره انتخابات ۱۳۹۲ صادق بود.

سوم، مردم ایران به فرامین مدعیان اپوزیسیون طرفدار تحریم و جنگ خارج از کشور در خصوص انتخابات اهمیتی نمی‌دهند، و تصمیم برای رأی دادن و یا در خانه ماندن را خود می‌گیرند، چون دیده‌اند که آنان برای سرنگونی رژیم از طریق حمله خارجی و دخالت به اصطلاح بشر دوستانه چه دروغ‌هایی ساختند. یک

چنین حمله‌ای ایران را تجزیه و نابود خواهد کرد، که دیگر سخن گفتن درباره دموکراسی معنی ندارد. باید ایرانی باقی بماند تا برای برپا سازی حکومت دمکراتیک در آن تلاش نمود، یا خیر؟

مردم بخوبی آگاه هستند که این بخش از به اصطلاح اپوزیسیون با پشتیبانی لابی‌های اسرائیل و عربستان و نئوکان‌ها تلاش کم نظیری در جلوگیری از توافقی هسته‌ای داشت. بیکاری، تورم، و شرایط وحشتناک اقتصادی ناشی از تحریم‌های غیر قانونی اقتصادی غرب، به همراه فساد و بی لیاقتی بینظیر تاریخی دولت آقای احمدی‌نژاد کمر مردم را شکسته بود، ولی این بخش از اپوزیسیون به بهانه "حقوق بشر" که خود علیرغم تمام ادعاها بدان ذره‌ای اعتقاد ندارند - چرا که اگر اعتقاد داشته باشند کوچکترین نشانه آن عدم فحاشی در زیر همین مقاله و مقالات دیگر نظیر آن به نویسندگان میباید - [تمامی کوشش خود را نمود](#) تا مذاکرات هسته‌ای با توافق پایان نیابد. سناتور تد کروز که در تلاش است تا بعنوان نامزد حزب جمهوری‌خواه در انتخابات نوامبر آمریکا شرکت کند اعلام کرده است که در صورت انتخاب در همان روز اول ریاست جمهوری خود [توافق هسته‌ای با ایران را لغو خواهد کرد](#). خانم هیلاری کلینتن هم در ضدیت با ایران از تمامی کاندیداها، چه دمکرات و چه جمهوری‌خواه جلو است و حتی پس از توافق هسته‌ای به تهدید کردن ایران ادامه داده است. نگارنده خود اخیراً در یک مقاله مفصل انگلیسی کارنامه جنگ طلبی ایشان درباره عراق، سوریه، لیبی، و ایران را مرور کرد. ایرانیان طرفدار تحریم و جنگ معبود جدید خود را یافته‌اند.

بنا بر این مردم حق دارند به کسانی که در کشورهای توسعه یافته در ناز و نعمت زندگی می‌کنند و به دنبال نابودی ایرانند، بد بین و بی اعتماد باشند. زندگی حق مردم است، ولی برخی افراد و گروه‌ها برای رسیدن به اهدافشان حاضرند جان مردم را فدا کنند و ایران را هم نابود کنند. نشستن در خارج و فرمان صادر کردن هیچ هزینه‌ای ندارد، اما مردم تحت ظلم جمهوری اسلامی باید هزینه‌های شعارهای توخالی اپوزیسیون همسوی با بیگانگان را بپردازند. خوشبختانه مردم ایران نشان داده‌اند که گوششان صدای اینها را نمی‌شنود و تصمیم نهایی را خود میگیرند.

کلام پایانی

شرکت در انتخابات شرکت در فرایند آن میباید که دارای دوره‌ای طولانی است. باید از فرصت استفاده کرد و به بحث درباره انتخابات پرداخت، به مردم آگاهی داد، و درباره آن افشاگری نمود. اگر اینگونه به انتخابات نگریسته شود، و اگر بحث‌های سازنده‌ای درباره این موضوع مطرح شوند، به مردم در ایران نیز کمک خواهد شد که تصمیم درست را در روز انتخابات برای رأی دادن و یا رأی ندادن بگیرند. نگارنده ایمان دارد تصمیم مردم در ایران، هرچه که باشد، میمون و به سود کشور خواهد بود.

نگارنده از خوانندگان گرامی دعوت می‌کند که برای دریافت آخرین خبرها و تحلیل‌ها در باره ایران و بقیه خاور میانه، هم به فارسی و هم به انگلیسی، از وبسایت او، [اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه](#) بازدید کنند، و مصاحبه‌ها و دیگر برنامه‌های تلویزیونی او را [در اینجا تماشا](#) کنند. فیسبوک نگارنده [در اینجا](#) است.